

فرهنگ سیاسی قبیله‌ای و مشارکت سیاسی در استان ایلام

دکتر حسین مسعود نیا*

آسیه مهدی پور**

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۲۱
 تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۸۹/۱۱/۱

چکیده

بررسی نقش وابستگی‌های ایلی و طایفه‌ای در هشت دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان ایلام موضوع پژوهش حاضر است. برگزاری انتخابات و استقبال گسترده گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی از آن در استان ایلام اگرچه به ظاهر یکی از نشانه‌های مطلوب افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی و بیانگر برون رفت از وضعیت سنتی و احساسی به وضعیت عقلانی و نهادی است، ولی تأمل در سیر وقایع و رویدادهای مربوط به انتخابات هشت دوره مجلس شورای اسلامی در استان ایلام بیانگر واقعیتی جز این است، چراکه مشارکت انتخاباتی در این استان تحت تأثیر فرهنگ سیاسی قبیله‌ای است و این مهم سبب شکل‌گیری نوع خاصی از مشارکت سیاسی در این منطقه شده است. آنچه در این پژوهش مورد نظر است این که با وجود شیوه‌های مدرن حضور افراد در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی و نیز تعیین سرنوشت قانونی خود، همچنان در محتوا این ابزار مدرن با تعصبات قومی و ایل و تبار آمیخته شده است به گونه‌ای که انگیزه مردم استان ایلام برای انتخاب نمایندگان پارلمانی خود نه آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی بلکه تعصبات و تحریکات قومی و احساسی است. مشارکت مردم استان ایلام در انتخابات مجلس تحت الشعاع مؤلفه‌های مختلفی است که مؤلفه‌های احساسی و غیر نهادی برجستگی بیشتری دارد. از این میان مقوله قبیله و وابستگی به قوم و طایفه خاص عامل مهمی برای پیروزی و موفقیت کاندیداها و آمدن مردم به پای صندوق‌های رأی است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد روابط ایلی و قبیله‌ای تا پیش از انتخابات مجلس ششم در استان ایلام نقش مهم و گسترده‌ای داشته است اما با وقوع تحولات سیاسی بعد از خرداد ۱۳۷۶ یعنی نقش‌آفرینی احزاب در تحولات سیاسی، انتخابات ششم، هفتم و هشتم مجلس شورای اسلامی در ایلام به عرصه مبارزه میان ایل و حزب تبدیل شد و در واقع از این دوره به بعد شاهد روند کاهش (هر چند آرام) نفوذ ایل در مسائل سیاسی استان ایلام هستیم. در این پژوهش با استفاده از داده‌های آماری و به روش توصیفی-تحلیلی موضوع مورد نظر تبیین شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی، مشارکت سیاسی، انتخابات، قبیله، طایفه، ایلام.

* استادیار گروه علوم سیاسی
 دانشگاه اصفهان
 hmass2005@yahoo.com

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی
 دانشگاه اصفهان

مقدمه

استان ایلام یکی مناطق کشور است که در سال های اخیر شاهد تحولات مهم اجتماعی از قبیل گذار جوامع از سنت به مدرنیته، فاصله بین نسل ها، رشد آگاهی های عمومی و افزایش فارغ التحصیلان دانشگاهی و گسترش تعامل با فرهنگ های ملی و حتی بین المللی به واسطه استفاده از شبکه جهانی است اما هیچ یک از این شرایط و عوامل نتوانسته از نقش عامل حیاتی و مهم در استان ایلام یعنی داشتن ایل و قبیله و عشیره بکاهد و هنوز هم در رویدادی چون انتخابات، ایل و قبیله در بسیاری از موارد وجه تمایز و وسیله شناخت افراد محسوب می شود. در انتخابات این عامل همواره یک برگ برنده برای داوطلبان وابسته به ایلات و قبایل پرجمعیت و ذی نفوذ بوده و خروجی انتخاب مردم را تحت الشعاع قرار داده است.

با برگزاری هشت دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی پس از انقلاب در ایلام، آمارها از برتری عامل قبیله در انتخابات نمایندگان بر سایر عوامل حکایت دارد. در هشت دوره انتخابات مجلس ۱۸ چهره سیاسی-اجتماعی از دو حوزه انتخابات استان ایلام به مجلس شورای اسلامی راه یافته اند که شواهد و قرائن نشان می دهد انتخاب بیش از ۹۰ درصد این نمایندگان متأثر از خاستگاه ایلی و عشیره ای آنان بوده است. بر اساس آمار موجود در استان ایلام، نرخ بیکاری ۶/۱۴ درصد (طبق آمار غیر رسمی حدود ۳۵ درصد) است، از ۵۴۵۷۸۷ نفر جمعیت این استان، حدود ۱۲۵ هزار نفر یعنی بیش از یک پنجم آن تحت پوشش نهادهای حمایتی چون کمیته امداد و بهزیستی هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷)، از لحاظ سرمایه گذاری در بخش های اقتصادی و صنعتی، راه، عمران شهری، داشتن امکانات پایه برای توسعه و خیلی شاخص های دیگر در زمره استان های آخر کشور قرار دارد. به مجموعه این شرایط نداشتن نیروی انسانی در سطح مدیریت کلان را هم باید اضافه کرد، در چنین شرایطی این استان تا دوره ششم دارای ۲ نماینده و از دوره ششم به بعد به دلیل تغییرات جمعیتی دارای ۳ نماینده در مجلس است.

استان ایلام علاوه بر این که از نظر کمیت دارای نمایندگان زیادی در مجلس نیست، از نظر توانمندی هم به دلیل شرایطی که به آنها اشاره می شود در ادوار مختلف مجلس پس از انقلاب نتوانسته به استثنای دو یا سه نفر نمایندگان تاثیرگذار در پارلمان داشته باشد. یکی از دلایل این شرایط را باید در غلبه فاکتور قبیله در انتخابات

ادوار گذشته جستجو کرد.

البته لازم به یادآوری است که بر خلاف سال های گذشته که رقابت ایلی بین ایلات و قبایل استان به شکل جنگاوری و تلاش برای استیلا بر مناطق دیگر بود، امروزه با رشد نهادهای مدنی و قانونی این ویژگی به پیروزی در انتخابات تغییر یافته و صرف نظر از این که کرسی نمایندگان به نام چه کسی ثبت شود، از نظر سران ایلات و قبایل مهمترین موضوع رفتن یکی از افراد آن قبیله به مجلس است.

در پژوهش حاضر تلاش می شود به سؤال اصلی پژوهش یعنی نقش قبیله و وابستگی های قومی و طایفه ای بر رفتار انتخاباتی مردم استان ایلام پاسخ داده شود. در پاسخ به این سؤال این فرضیه طرح شده که مشارکت مردم استان ایلام در انتخابات به ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی در هشت دوره گذشته بیشتر بر مبنای نگرش های طایفه ای و وابستگی های قبیله ای بوده و اساساً نقش وابستگی نهادی و سازمانی اعم از احزاب و گروه های سازماندهی شده در رأی دهی مردم کم رنگ و ضعیف بوده است.

در یافتن چرایی اقبال قبیله و طایفه در انتخاب کاندیداهای مجلس شورای اسلامی و نیز ریشه های رفتار سیاسی مردم باید به نقش عوامل فرهنگی اشاره داشت و در چارچوب ویژگی های فرهنگ سیاسی مردم، این موضوع را تحلیل کرد. برای تبیین و بررسی رابطه متغیرهای موجود در فرضیه طرح شده، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از آمار موجود در آرشیو مراکز اداری استان به جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل یافته های خود می پردازد. در گام نخست شالوده مباحث نظری را با استناد به دیدگاه گابریل آلموند در خصوص فرهنگ سیاسی و انواع فرهنگ سیاسی و نیز نسبت آن با مشارکت سیاسی طراحی می کند و به دنبال آن با نگاهی به ویژگی های فرهنگ سیاسی ایلام به نقش قبیله به عنوان یکی از مؤلفه های برجسته فرهنگ سیاسی منطقه در مشارکت سیاسی خصوصاً رفتار انتخاباتی مردم استان ایلام در هشت دوره مجلس شورای اسلامی می پردازد.

فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی

فرهنگ سیاسی یک اصطلاح جدید است که بعد از جنگ جهانی دوم وارد ادبیات سیاسی شد، گابریل آلموند^۱ برای نخستین بار (۱۹۵۶) فرهنگ سیاسی را این گونه تعریف کرد: «هر نظام سیاسی در درون الگوی خاصی از سمت گیری برای کنش

۱. Gabriel Almond

سیاسی فعالیت دارد که خوب است آن را فرهنگ سیاسی بنامیم.» او بر این نظر است که وقتی از فرهنگ سیاسی یک جامعه سخن می‌گوییم در واقع به نظام سیاسی به همان وجهی که در قالب شناخت‌ها، احساسات و ارزشیابی‌های اعضای آن و در ذهن و روح آن جای گیر شده است، نظر داریم (چیلکوت، ۱۳۷۸: ۳۴۵).

بر اساس تعریف جدیدتر از آلموند و پاول (۱۹۹۲)، فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از نگرش‌ها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است (آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۷).

از نظر آلموند هر فرهنگ سیاسی سه جزء دارد: ۱. جهت‌گیری شناختی، مربوط به دانسته‌ها و باورهای مردم از نظام سیاسی و شناخت از مقررات، نقش‌ها، نهادها و داده‌ها. ۲. جهت‌گیری‌های عاطفی که به احساس مردم نسبت به نظام سیاسی، مقررات، نقش‌ها و داده‌های نظام ارتباط می‌یابد. ۳. جهت‌گیری‌های مبتنی بر ارزشیابی که شامل قضاوت‌هایی نسبت به هدف‌های سیاسی می‌شود. بر اساس چنین معیارهایی است که وی سه‌گونه اصلی از فرهنگ سیاسی را پیشنهاد می‌کند.

فرهنگ سیاسی محدود: در این نوع فرهنگ سیاسی افراد آگاهی چندانی از نظام سیاسی و ساختار آن ندارند و در واقع توانایی مقایسه‌تغییراتی که نظام سیاسی آغاز کرده وجود ندارد.

فرهنگ سیاسی تبعی: شهروندان از نقش‌های گوناگون حکومت مانند مالیات‌گیری و قانونگذاری آگاه هستند اما هیچ آگاهی در مورد راه‌های نفوذ بر نظام سیاسی ندارد. در این فرهنگ سیاسی افراد زیر بناهای جامعه را نمی‌شناسند و تصویری از خواسته‌های خود ندارند. این افراد برای حل دشواری‌ها به رئیس محلی یا رئیس خانواده مراجعه می‌کنند.

فرهنگ سیاسی مشارکتی: در این فرهنگ که بیشتر در جوامع پیشرفته قابل مشاهده است؛ مردم به طور آگاهانه در زندگی سیاسی مشارکت می‌کنند، مشارکت‌کنندگان از ساختار و روند نظام سیاسی و همچنین از خواسته‌های خود، آگاهی دارند، مشارکت‌کنندگان سیاسی ایستارهای خاصی نسبت به ساختارهای سیاسی مانند احزاب، گروه‌های ذی‌نفوذ و نقش آنها دارند (عالم، ۱۳۷۷: ۱۱۵-۱۱۴).

در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی یک جامعه عوامل زیادی مانند شرایط تاریخی، جغرافیایی، ساختار اقتصادی - اجتماعی، سنت‌های سیاسی، آداب و رسوم و

جامعه‌پذیری سیاسی دخالت دارند که تأثیر گذاری هر یک از عوامل مزبور در جوامع گوناگون متغیر است، همین موضوع سبب گردیده است تا آلموند در تقسیم بندی خود ترکیبی از فرهنگ سیاسی را مد نظر قرار داده که مهمترین آنها عبارتند از: ۱. فرهنگ سیاسی محدود- تبعی ۲. فرهنگ سیاسی تبعی- مشارکت ۳. فرهنگ سیاسی مشارکت- محدود. طبقه بندی سه گانه آلموند از انواع فرهنگ سیاسی و نیز انواع ترکیبی آن می تواند به عنوان چارچوب نظری برای تبیین رفتار انتخاباتی مردم استان ایلام تا حدودی گشایشگر باشد اما با در نظر گرفتن بسترهای تاریخی و جغرافیایی و مبانی اجتماعی و سیاسی خاص منطقه ایلام توجه به نوع دیگری از فرهنگ سیاسی یعنی فرهنگ سیاسی قبیله ای در کنار این طبقه بندی ضروری است تا بتوان واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این منطقه را به شکلی کامل تر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

فرهنگ سیاسی قبیله‌ای: نوعی فرهنگ سیاسی است که مبتنی بر رابطه خویشاوندی است و تصمیم گیرنده نهایی نه فرد، بلکه رئیس قبیله است و تصمیم گیری در کلیت واحدی به نام قبیله و یک سلسله مراتب عمودی و انعطاف ناپذیر اتفاق می افتد. افراد در این فرهنگ سیاسی هویتی فراتر از قبیله (هویت ملی) ندارند و میزان آگاهی صرفاً در چارچوب قبیله و مناسبات از پیش تعریف شده است. در نهایت اطاعت از رئیس قبیله و پیوند سببی و نسبی با اعضای آن به عنوان ارزشی مقدس محسوب می شود. تیره ها و طوایف (زیر مجموعه ایل) خود را یک تش یا اجاق به شمار می آورند که جنبه توتمی دارد و همین امر به یگانگی و پیوند تیره ها افزوده است. عنصر خویشاوندی موجب می شود تا فرد روابط اجتماعی را از منظر این پدیده بنگرد. ارزیابی فرد منوط به موقعیت خانوادگی اوست. در حقیقت وقتی فردی از یک خانواده ارتقاء اجتماعی پیدا می کند این به معنی ارتقاء ایل است چرا که فرد در زمان ارتقاء اجتماعی می کوشد تا دست دیگر اعضای خانواده، قوم و قبیله را بگیرد و آنها نیز از مزایای اجتماعی بیشتری برخوردار شوند. لذا وقتی گروهی از ایل به موقعیت اجتماعی بارزی دست می یابد نقش ها و مشاغل متعددی را به اعضای ایل و طایفه خود واگذار می کند و از این طریق شخصی که صاحب منصبی شده به پشتوانه‌های محکمی دسترسی پیدا کرده است (سریع القلم، ۱۳۷۷: ۴۲-۳۸).

فرهنگ سیاسی قبیله‌ای از یک سو به دلیل ایجاد وحدت و یکپارچگی اعضای قبیله در رسیدن به هدفی خاص می تواند مطلوب باشد اما عواقب نامطلوب فراوانی

برای جامعه در پی دارد که حاصل آن مانع پیشرفت و ارتقای سطح کیفی و کمی آن جامعه خواهد شد. یکی از پژوهشگران معاصر ایران در حوزه فرهنگ سیاسی بر این اعتقاد است که فرهنگ عمومی و اجتماعی عشایر و قبایل دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان برخی از آن ویژگی‌ها را در فرهنگ سیاسی کنونی ایران نیز مشاهده نمود. مهم‌ترین این مؤلفه‌ها عبارتند از: فرهنگ حذف رقبا، علاقه به افرادی بی‌کفایت برای واگذاری سمت‌های کلیدی، روش سرکوب برای حل و فصل اختلافات و تضاد، ارتقاء تبعیت و اطاعت، بی‌اعتمادی شدید افراد نسبت به یکدیگر، تقسیم‌بندی نیروهای سیاسی به خودی و غیر خودی، فرهنگ دزدی و غارت و تاکید مدام بر دشمن و توطئه‌ها (سریع‌القلم، ۱۳۷۷: ۴۳).

فرهنگ سیاسی قبیله‌ای را می‌توان به فرهنگ سیاسی تبعی‌آلموند از جهت ویژگی‌ها و مبانی آن نزدیک‌تر دانست. نکته جالب توجه این که آلموند فرهنگ تبعی را خاص جوامع سنتی می‌داند در حالی که جامعه ایلام جامعه‌ای غیر سنتی است و با وجود داشتن سطح بالای جمعیت باسواد و تحصیل کرده و نیز برخی مؤلفه‌های مدرن از جمله دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و شبکه جهانی همچنان روابط قبیله‌ای در جامعه ایلام پررنگ است و در قالب رفتار سیاسی مدرن یعنی انتخابات بروز پیدا می‌کند و این بیانگر غلبه تفکر سنتی قبیله‌ای و رفتار مبتنی بر احساسات در جوامع در حال گذار از جمله ایلام است.

همان‌گونه که اشاره شد برای تبیین رفتار انتخاباتی مردم استان ایلام توجه به ارتباط مشارکت سیاسی افراد جامعه با فرهنگ سیاسی ما را در درک بیشتر موضوع یاری می‌دهد. نوع نگرش مردم به چگونگی شرکت در فعالیت‌های سیاسی، عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی و حمایت از نامزدهای پارلمانی یا ریاست جمهوری، ابراز اعتراضات سیاسی نشأت گرفته از نوع نگاهی است که در قالب فرهنگ سیاسی آن جامعه موجب شکل‌گیری اندیشه و کنش سیاسی و اجتماعی آنها شده است. چنانچه افراد یک جامعه اعتقادی به ساز و کار حزبی و برگزاری انتخابات آزاد و رقابتی نداشته و آگاهی آنها نسبت به حقوق شهروندی و سیاسی خود کم باشد بدون تردید چنین نگرشی نشأت گرفته از فرهنگ سیاسی آنان است که به مرور زمان قالب رفتاری و فکری اعضای جامعه را شکل داده است. اما در مواردی که فرهنگ سیاسی یک جامعه به شکلی عقلانی و مشارکتی عرصه را برای تحرک اجتماعی افراد

و فعالیت سیاسی آنها گشوده باشد، بدون شک مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی مردم کمتر بر مبنای کنش‌های احساسی و غیر نهادی بوده، بلکه بر اساس شیوه‌های عقلانی‌تر و آگاهانه‌تر رفتار می‌کند.

مشارکت سیاسی تعاریف متعددی دارد که می‌تواند از شرکت در انتخابات رقابتی و آزاد گرفته تا فعالیت احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی برای اعمال نفوذ، کسب قدرت و فراهم‌سازی بستر برای به وجود آمدن فضای سیاسی متکثر جهت مشارکت تک تک اعضای جامعه را دربرگیرد. در این مقاله بیشتر بُعد رسمی و متعارف مشارکت سیاسی یعنی شرکت در انتخابات و آمدن افراد به پای صندوق‌های رأی مورد توجه است.

آلموند با بررسی سه نوع فرهنگ سیاسی معتقد است مشارکت سیاسی و کم و کیف آن تا حد قابل توجهی به ارزش‌ها، اعتقادات و انگاره‌ها و نمادهای نهادینه شده بستگی دارد. وی مشارکت را به دو نوع مشارکت متعارف و غیر متعارف تقسیم می‌کند. شکل متعارف مشارکت موارد رأی دادن، گفت‌وگو و مباحثه سیاسی، فعالیت و مبارزه انتخاباتی، تشکیل احزاب و ائتلاف سیاسی را در بر می‌گیرد و اعتراضات خشونت‌آمیز آشوب و انقلاب نیز مشارکت غیر متعارف نامیده می‌شود (نلسون، ۱۳۷۹: ۲۳).

نلسون عوامل تعیین‌کننده در مشارکت سیاسی را به پنج دسته تقسیم می‌کند:

۱. وضعیت اجتماعی - اقتصادی

۲. پیوندهای سازمانی، عضویت در اتحادیه‌ها، احزاب و سایر انجمن‌های حزبی

و غیر حزبی

۳. وابستگی‌های قومی، مذهبی و زبانی و ...

۴. شکاف‌های جنسیتی (زنان تمایل کمتری به مشارکت سیاسی دارند)

۵. شهر نشینی و تأثیر آن در کاهش یا افزایش مشارکت (نلسون، ۱۳۷۷: ۱۶۳-۱۶۲).

علاوه بر این می‌توان سه نگرش عمده را با توجه به تعریف فرهنگ سیاسی و ارتباط آن با مشارکت سیاسی از هم متمایز ساخت که می‌تواند در تحلیل رفتار انتخاباتی و انگیزه‌ها و دلایل افراد در مشارکت سیاسی مؤثر باشد.

۱. نگرش سنتی

نگرش سنتی بر اساس الگوهای جا افتاده، عرف یا باورهایی که طبیعت ثانوی فاعل را تشکیل می‌دهند، شکل می‌گیرد. فاعل برای عمل سنتی خویش نیاز به درک

یک هدف یا درک یک ارزش یا احساس و عاطفه ندارد، بلکه فقط نا آگاهانه به انگیزه بازتاب‌هایی که بر اثر ممارست‌های طولانی در او ریشه دوانیده عمل می‌کند. (سیف‌زاده، ۱۳۶۸: ۸۷).

۲. نگرش احساسی

این نگرش مبتنی بر ملاک‌های گذرا و امیال و عواطف شخصیتی و بر اساس نفع‌طلبی نسبت به نظام و یا سیاست‌ها و کارکردهای آن می‌باشد. دوستی و نفرت نسبت به نظام حالتی از نگرش احساسی است که مانع ارزیابی دقیق روند واقعی جریان‌ات می‌شود. بر این مبنا فرد بدون توجه به نتایج عملی حاصل از نظام، آینه بازتابنده احساسات القا شده به خود است. فرهنگ سیاسی مبتنی بر نگرش احساسی، فرهنگی ناستوار و بی‌ثبات و آکنده از مخالفت است، این مخالفت‌ها بیشتر به صورت شورش‌های مقطعی غیر ایدئولوژیک مادی و اقتصادی نمود پیدا می‌کند. (سیف‌زاده، ۱۳۶۸: ۸۹).

۳. نگرش ادراکی

این نگرش حاکی از شناخت و بینش و نگرش علمی و آگاهانه فرد نسبت به رهبران برجسته و مسائل سیاسی است. در اینجا میزان توفیق نظام در بر آوردن نیازها و حل مشکلات، معیار ارزیابی قرار می‌گیرد. نگرش ادراکی بر خلاف نگرش احساسی است این نگرش به دو صورت قابل درک است:

الف) نگرش ادراکی معطوف به هدف

این نوع رفتار به ویژه در حوزه اقتصاد که عقلانی است تجسم دارد. در اینجا رفتار عقلانی معطوف به هدف، هدفی مبتنی بر یک ارزش تغییر ناپذیر نیست و می‌تواند متغیر باشد. فرد می‌تواند در صورتی که ابزارهایش کفاف نیل به آنرا نداشته باشد، هدف مورد نظرش را تعدیل کند و یا حتی تغییر دهد.

ب) نگرش ادراکی معطوف به ارزش

رفتار اجتماعی می‌تواند به وسیله اعتقاد آگاهانه به ارزش‌های مطلق کردار و مستقل از قید هر نوع محرک خارجی طبقه‌بندی و بر حسب معیارهایی از قبیل اخلاقیات، زیبایی‌شناسی یا مذهب سنجیده و چنین نمونه‌ای از جهت‌گیری عقلانی به سمت یک ارزش مطلق، رفتار معطوف به ارزش نامیده می‌شود. بنابراین، این نوع رفتار از آن جهت که ارزش‌هایی مطلق دارد مبتنی بر اخلاق اعتقادی است. کسی که بر این

اساس عمل می‌کند ارزش‌هایش لایتغیر نیست، هر چند ممکن است وسایل را برای نیل به آن ارزش‌ها دگرگون سازد (سیف‌زاده، ۱۳۶۸: ۹۷).

بنابراین هر چه از نگرش‌های سنتی و احساسی به سمت نگرش‌های ادراکی پیش می‌رویم کفه عقل و محاسبه سنگین‌تر می‌شود و عکس آن نیز صادق است، از لحاظ علمی احتمال وجود ترکیبی از نگرش‌ها در فرهنگ وجود دارد.

سؤالی که مطرح است این که در مورد ایلام با توجه به بسترهای ریشه دار و کهن مناسبات قومی و قبیله ای کدام الگو می‌تواند تحلیل‌گر رفتار انتخاباتی مردم باشد؟ چرا در این استان علی‌رغم رشد سطح سواد عمومی، جمعیت جوان و تحصیل کرده و نیز استفاده روز افزون از وسایل ارتباط جمعی، هنوز در عرصه‌هایی چون انتخابات خصوصاً انتخابات مجلس شورای اسلامی، افراد سعی می‌کنند به هم ایلی و هم قبیله ای خود اقبال نشان دهند؟ گویی هنوز در اندیشه ایلامی رؤیای غلبه و نفوذ ایل و طایفه در مقایسه با مؤلفه‌هایی چون تخصص، توان اجرایی و علمی افراد غلبه بیشتری دارد. استدلالی که در تبیین این ادعا به نظر مهم می‌رسد این است که این ویژگی در انتخابات ریاست جمهوری ملاحظه نمی‌شود و شاید دلیل عمده آن این است که برای افراد روشن است که چون امکان نشستن یک هم ایلی بر کرسی ریاست جمهوری وجود ندارد بنابراین از اهمیت و حساسیتی برخوردار نیست. جوانان و تحصیل کردگان ایلامی در انتخابات ریاست جمهوری به سمت گروه‌بندی‌ها و جناح‌بندی سیاسی تمایل نشان می‌دهند در حالی که این ویژگی در انتخابات مجلس شورای اسلامی بسیار کم‌رنگ است.

در پاسخ به این موضوع طبق مباحث نظری که در سطرهای بالا بدان اشاره شد، می‌توان رفتار انتخاباتی مردم ایلام را در انتخابات مجلس متأثر از فرهنگ قبیله‌ای و تمایل شدید به غلبه و پیروزی قبیله دانست و نیز رفتار رأی‌دهی مردم را نوعی رفتار احساسی - سنتی و کمتر عقلانی به حساب آورد. در اینجا شاید نتوان به راحتی تفکیک آمووند از انواع فرهنگ سیاسی را پذیرفت، اما با اندکی جرح و تعدیل می‌توان گفت فرهنگ سیاسی فرهنگ تبعی - محدود یا به تعبیری فرهنگ قبیله‌ای را می‌توان در تجزیه و تحلیل فرهنگ سیاسی ایلام برشمرد.

با ذکر این شالوده نظری یعنی نسبت فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی و نیز عوامل متعددی که می‌تواند به فراخور بسترهای مختلف و متکثر اجتماعی، اقتصادی

و فرهنگی بر رفتار انتخاباتی مردم استان ایلام تاثیر گذار باشد، باید گفت در خصوص انتخابات مجلس شورای اسلامی، فرهنگ سیاسی تبعی و رفتارهای احساسی و مبتنی بر وجه تعصبات قومی و قبیله‌ای بر سایر وجوه عقلانی و نهادی غلبه دارد. در ادامه با اشاره به ساختار نظام قبیله‌ای و نیز خواستگاه ایلی و طایفه‌ای انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان در هشت دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی این موضوع تبیین می‌شود.

ساختار قبیله‌ای و طایفه‌ای در استان ایلام

تداوم ساختار اجتماعی و فرهنگی قبیله‌ای و خویشاوندی از گذشته‌های دور تاکنون در ایران و خصوصیات زندگی و رفتار قبیله‌ای موجب شده که برخی صاحب‌نظران این ویژگی را در تحلیل فرهنگ سیاسی ایرانیان مورد توجه بیشتری قرار دهند. سریع‌القلم در زمره افرادی است که بر این رویکرد در فرهنگ ایرانی تأکید می‌کند. او بر این نظر است که، فرهنگ سیاسی عشیره‌ای، در مدت زمان متمادی، به واسطه استمراری که داشته به فرهنگ سیاسی کل سرزمین ایران تبدیل شده است (سریع‌القلم، ۱۳۷۷: ۴۲). مطالعات تاریخی نیز حکایت از آن دارد که تاریخ این سرزمین با تاریخ ایلات و طوایف گره خورده است تا جایی که در هر دوره‌ای، ایران در چنگال ایل و طایفه‌ای اسپر گشته است. در چند سده‌ی اخیر که دنیا در معرض تحولات گسترده‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده، مناسبات ایلی بر جامعه‌ی ما مستولی شده است. بنابراین می‌توان گفت که این سرزمین کمتر دوره‌ای را به یاد دارد که جای سُم ستوران ایل نشین را بر پیشانی و خاطره‌ی آن را در سینه نداشته باشد (دهقان نژاد، ۱۳۷۹: ۱۴۵). پیشینه تاریخی ایران و مناطق مختلف کشور نشان می‌دهد که حافظه تاریخی مردم متأثر از رفت و آمدها، ائتلاف و تقابل میان ایل و عشایر بوده و این ویژگی با فرهنگ مردم آمیخته است.

در غرب کشور، استان ایلام نیز به دلایل دوری از مرکز، کوهستانی بودن منطقه و فقدان وسایل و امکانات مدرن، نتوانست فرهنگ ایلیاتی و عشیره‌ای را از خویش دور سازد و فرهنگی را که سده‌های زیادی پدران و مادران این سرزمین در وجودشان نهادینه شده بود، به شکلی جدید باز تولید شد تا همچنان این مناسبات بر استان ایلام سایه بیندازد، به طوری که با تحولات جهانی هرچه از میزان این گرایش در سطح ملی کاسته می‌شود در سطح محلی و یا استانی بر آن افزوده می‌گردد. با توجه

به چنین پیشینه‌ای یکی از پژوهشگران معتقد است که "چیرگی مناسبات مبتنی بر خویش‌گرایی و قبیله محوری بر ارکان ساخت اجتماعی موجود در استان ایلام، مجال هرگونه نوآوری و تحول را از جامعه سلب نموده به نحوی که هر نهاد نوین و عام پس از مدتی تحت الشعاع این ساخت مسلط قرار می‌گیرد و این امر باعث انحصاری شدن پرسنل سازمان‌ها توسط برخی از ایلات و طوایف شده است" (قاسمی، ۱۳۸۳: ۳۴۵).

آمار دقیقی در مورد ترکیبات ایلی و طوایف استان به ثبت نرسیده و شاید کمتر در خصوص ترکیبات جمعیتی با محور پایگاه ایل و قبیله و تقسیم بندی های خردتر آن از نظر جامعه شناسی در ایلام کار پژوهشی صورت گرفته باشد. اساساً آنچه از منابع موجود دریافت می‌شود، برخی مباحث توصیفی است که صرفاً به گونه های قبیله‌ای و زیر مجموعه های آن اشاره کرده است. برخی اساساً وجود ساز و کار قبیله را در مسائل اجتماعی، رفتارهای فرهنگی و سیاسی کمرنگ دانسته اما غالب صاحب نظران، سلطه و ویژگی های ایلی و طایفه‌ای را به عنوان یکی از موانع توسعه یافتگی در استان ایلام بر می‌شمارند.

استان ایلام با در برگرفتن دو قوم کُرد و لُر با مجموعه ای از ایلات و طوایف از گذشته های دور تاکنون با حفظ ساختار ایلاتی و طایفه ای خود تاریخ اجتماعی سیاسی پر فراز نشیبی را پشت سر گذاشته است. بنابر آمار امور عشایری استان ایلام، در مجموع ۱۴ ایل در استان ایلام ساکن است. بنابر این اطلاعات گفته می‌شود جمعیت عشایری استان ۵/۱۳ درصد کل جمعیت را در برمی‌گیرد، یعنی معادل ۷۵۸۹۲ نفر. ایلات و طوایف موجود در استان که نقش تعیین کننده‌ای در شکل دهی به وضعیت فرهنگی و رفتار انتخاباتی مردم استان ایفا می‌کنند به تفکیک جمعیت عشایری و تخمین جمعیت کلی عبارتند از:

ایل ارکوازی: بزرگترین ایل استان با جمعیتی بیش از ۷۰ هزار نفر در جنوب غربی استان ایلام واقع است و جمعیت عشایری آن ۳۴۹۳ نفر است. این ایل که تعداد زیادی از آن در بخش چوار در نزدیکی شهر ایلام و اکثریت آن در شهر ایلام سکونت دارند، با توجه به تعداد زیاد طوایف و تیره زیرمجموعه و تاثیرگذاری بر محیط سیاسی و اجتماعی ایلام به ایل هزاره در بین مردم معروف است (عزتی، ۱۳۷۸: ۵۳). ایل ایوان: در شهرستان ایوان واقع در ۴۰ کیلومتری شهر ایلام سکنی دارد، جمعیت عشایری این ایل ۶۹۹۶ و جمعیت کلی آن بیش از ۲۰ هزار نفر است.

ایل خزل: محل سکونت ایل خزل شهرستان شیروان چرداول در ۴۰ کیلومتری شهر ایلام و در شمال شرقی استان واقع است. جمعیت عشایری این ایل ۵۵۳۴ و با داشتن جمعیتی حدود ۵۰ هزار نفر به عنوان ایل بزرگ و تأثیر گذار در استان مطرح است. ایل دهبالایی: ساکنان اصلی شهر ایلام هستند. جمعیت عشایری این ایل ۲۲۰۰ نفر است. ایل دهبالایی پیوندهای سببی گسترده ای با ایل ارکوازی دارد (امور عشایری استان ایلام، ۱۳۸۷).

ایل شوهان: در بخش هایی از شهرستان مهران و ایلام سکونت دارند. جمعیت عشایری این ایل ۳۱۹۰ است. ایل شوهان با داشتن بیش از ۱۰ هزار نفر جمعیت از ایلات نسبتاً بزرگ و تأثیر گذار در استان است.

ایل کرد که در منطقه دهلران، زرین آباد موسیان و آبدانان سکونت دارند شامل کرد آبدانان و کرد دهلران است که ایل کرد آبدانان با جمعیت عشایری ۱۱۶۵۳ نفر و ایل کرد دهلران دارای جمعیت عشایری ۷۶۱۷ نفر است.

ایل لک (هلیلان و زردلان): در شمال شرقی استان در مجاورت استان لرستان و کرمانشاه قرار دارد. مردم ایل به زبان لکی تکلم می کنند و از تعصب و عرق قبیله‌گی زیادی برخوردارند. جمعیت عشایری ایل لک ۴۹۲۴ نفر است.

ایل ملکشاهی: در شهرستان ملکشاهی با جمعیت عشایری ۹۷۶۶ و جمعیت ۳۲ هزار نفر می باشد. ایل ملکشاهی در مقایسه با ایلات دیگر به چارچوب های قبیله‌ای و تعصبات قومی پابندی بیشتری دارد و در راستای رسیدن به اهداف خود به از جمله حمایت از کاندیدای خاص اتحاد و یکپارچگی همه جانبه ای از خود نشان داده است.

علاوه بر ایل های بزرگ و تأثیر گذار می توان به برخی ایل های کوچک در استان ایلام اشاره کرد:

ایل باولی که جمعیت عشایری ۱۵۰۰ نفر را داراست، ایل پنج ستون شامل مهدی آباد، چاله سرا، هفت چشمه و بانقلان، در اطراف شهر ایلام با جمعیت عشایری ۴۲۱۴ هزار نفر است. ایل علی شروان بخش بدره شهرستان دره شهر با جمعیت عشایری ۵۸۷۱ نفر، ایل ریزه وند با جمعیت ۴۳۱۰ نفر و ایل میشخاص با جمعیت عشایری ۲۵۱۳ از جمله ایلات معروف استان ایلام اند (امور عشایری استان ایلام، ۱۳۸۷).

همان گونه که یادآوری شد آمار موجود صرفاً جمعیت عشایری ۱۴ ایل استان

ایلام را نشان می دهد که در این مقاله جمعیت چند ایل مهم (که همواره در جریان انتخابات نقش تعیین کننده ای داشته اند و جمعیت قابل توجه آنها موجب پیروزی در انتخابات شده است) بیشتر در طول تحقیق مدنظر بوده است. لازم به یادآوری است که در میان ایلات استان ایلام ایل خزل و ارکوازی بیشترین نفوذ را به لحاظ تعداد جمعیت در انتخابات داشته است. علاوه بر این ایلات ملکشاهی، شوهان و دو ایل کرد نیز نفوذ عمده ای در رقابت های انتخاباتی دارند.

تحلیل مبارزات انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در ایلام

استان ایلام استانی سنتی و مبتنی بر رویکردهای طایفه ای و عشیره ای است که از نظر تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در دوره گذار قرار دارد. دورانی میان سنت و مدرنیته که ضمن حفظ برخی ویژگی های سنتی هنوز وجه مدرن را نپذیرفته و در کشاکش درونی با تعارضات گوناگون اجتماعی و فرهنگی دست و پنجه نرم می کند. تجربه برگزاری انتخابات های گذشته در استان ایلام نشان می دهد که با وجود تاثیرات دوران گذار هنوز هم عوامل ایلی و عشیره ای ملاک تعیین کننده ای برای پیروزی ها و کامیابی ها به حساب می آید. واقعیت این است که این ویژگی هنوز هم می تواند مبنای محاسبات و تحلیل های انتخاباتی قرار گیرد. هنوز هم توجه به رهبران فکری چون کدخدایان و توشمال ها در اولویت برنامه های داوطلبان تکنوکرات و تحصیل کرده است و نشان می دهد که سرمایه گذاری بر این عامل تعیین کننده می تواند برگ برنده هر داوطلب باشد.

در این شرایط استفاده مداوم از کانال های ارتباطی سنتی و چهره به چهره به جای ارتباطات واسطه ای جوامع توده وار، کارایی و کاربرد بیشتری دارد زیرا ارتباطات واسطه ای در شرایطی جواب می دهد که جوامع ناهمگون بوده و نتوان با ارتباطات سنتی و چهره به چهره زمینه همگرایی در آنان ایجاد کرد. اما در جوامعی چون ایلام با وجود رشد جمعیت، افزایش مهاجرت به شهرها، افزایش سطح سواد و رسانه های جمعی و مشارکت اجتماعی و سیاسی هنوز هم ارتباط بین افراد از فضای سنتی خارج نشده و بهترین کانال برای ایجاد ارتباط و نیز متقاعد سازی همین کانال های سنتی، دید و بازدیدها، حضور در مراسم شادی و شیون است.

با این توصیف هنوز عرصه برای رواج تحزب و فعالیت های حزبی آن طور که باید، مهیانیست و احزاب اگر بدون در نظر گرفتن شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر

استان بخواهند از روش برنامه‌ای و مانیفستی از فاکتور ایل و قبیله غافل شوند به خطا رفته و در خروجی صندوق‌های رای این خطا خود را نشان می‌دهد.

انتخابات مجلس شورای اسلامی استان ایلام در هشت دوره گذشته

استان ایلام به دو حوزه انتخابی تقسیم می‌شود که حوزه اول شامل شهرستان‌های ایلام، ایوان، شیروان چرداول و مهران است و حوزه دوم شامل شهرستان‌های دهلران، دره شهر و آبدانان است. البته در سال ۱۳۸۷ بخش ملکشاهی به شهرستان تبدیل شد و به حوزه انتخابی اول پیوست. تا قبل از مجلس ششم استان ایلام در مجموع به دو حوزه انتخاباتی تقسیم و دارای دو نماینده بود که این تعداد به دلیل افزایش جمعیت به سه نماینده یعنی دو نفر در حوزه اول و یک نماینده در حوزه دوم افزایش یافت. بر اساس شرایط توصیف شده می‌توان انتخابات ایلام را به دو دوره پیش و پس از انتخابات مجلس ششم یعنی دوره غلبه فرهنگ قبیله‌ای و اقتدار توشمالان تا مجلس ششم و دوره کاهش اقتدار فرهنگ قبیله‌ای و آمیختگی تفکر ایلیاتی و حزبی از انتخابات ششم به بعد تقسیم‌بندی کرد، شرایطی که در کنار عنصر قبیله تا حدودی مؤلفه‌های دیگری چون شخصیت کاریزماتیک داوطلبان و پشتوانه حزبی در کنار ایل و قبیله به عنصری مهم و تاحدودی تعیین‌کننده تبدیل شد.

دوره غلبه فرهنگ قبیله‌ای و اقتدار توشمالان

در دوره اول مردم در حوزه انتخابیه ایلام، شیروان چرداول و ایوان، اسدا... عالی‌پور از ایل خزل را به مجلس فرستادند، انتخابی که در اوایل انقلاب صورت گرفت و پشتوانه آن جمعیت زیاد و نفوذ ایل پر جمعیت خزل ساکن در شهرستان شیروان چرداول بود.

در حوزه انتخابیه دهلران، دره‌شهر، مهران و آبدانان هم پرویز طهماسبی از طوایف بزرگ آبدانان رای اول را به دست آورد اما انتخابات در این دوره تایید نشد و تنها یک نماینده با پشتوانه ایلی از استان ایلام در مجلس اول حضور داشت.

در دوره دوم مردم حوزه انتخابیه ایلام حجت الاسلام محمد نقی لطفی امام جمعه ایلام را به مجلس فرستادند. لطفی با پشتوانه حمایت‌های ایل خود یعنی ملکشاهی و نیز حمایت‌های ایل ارکوازی (ایل مادریش) گوی سبقت را از بقیه داوطلبان ربود و نتیجه انتخابات در این حوزه نشان داد که در کنار احترام به کسوت روحانیت در آن دوره باز هم پشتوانه ایلی عامل اصلی اقبال به داوطلبان بوده است.

در حوزه انتخابیه دوم (جنوب استان) هم علی اکبر روحانی فرد از اهالی شهرستان دهلران به مجلس راه یافت. روحانی فرد با پشتوانه ایل کرد توانست بر رقبای خود از شهرستان های دره شهر و آبدانان و مهران که ایل بزرگ و پر جمعیتی ندارند پیشی گیرد. انتخابات مجلس سوم در سال ۶۷ و در شرایطی برگزار شد که مردم استان شرایط دشوار آوارگی و بمباران شهرها و روستاها را تجربه می کردند در این شرایط نحوه تبلیغات سنتی تر از قبل بود.

در این انتخابات از حوزه ایلام علی کرم محمدیان و عبدا... نورمحمدی و از حوزه دهلران و دره شهر سید محمد حائری و عطاء... نافیعی به دور دوم راه یافتند اما در نهایت محمدیان به دلیل وابستگی و تعلق به ایل خزل و حائری از مهران به مجلس راه یافت. در این دوره نفوذ قبیله در حوزه اول محسوس تر از حوزه دوم بود به طوری که ایل خزل تمام تلاش خود را برای ورود محمدیان به مجلس به کار گرفت و این پشتوانه ای ارزشمند برای محمدیان بود تا از منصب مدیر امور عشایری استان به مجلس نقل مکان کند.

سید محمد حائری که اصالتاً اهل دزفول است با استفاده از انتساب به ائمه اطهار و تعلق به سادات و به علت سابقه درخشان در دوران تصدی فرمانداری مهران به مجلس راه یافت.

در دوره چهارم مجلس شورای اسلامی که در سال ۱۳۷۱ برگزار شد، باز هم تلاش ها و پشتوانه های ایلی و قومی را به صورت محسوس می توان در خروجی صندوق رای دید.

در این انتخابات از حوزه ایلام سید حشمت موسوی از ایل خزل و وابسته به ارکوازی و علی احمدی از شهرستان ایوان به دور دوم راه یافتند. نتیجه آراء حوزه انتخابیه دوم استان نیز با رقابت محمد حسنی و عبد سبزی از فرماندهان سابق سپاه ایلام و مدیران فعلی وزارت نفت به دور دوم کشیده شد.

در حوزه ایلام هواداران علی احمدی صحنه را به هواداران پر شمار و جمعیت فراوان ایل خزل که از سید حشمت موسوی حمایت می کردند، واگذار کردند و نتیجه این انتخابات نشان دهنده این نکته است که انتخاب موسوی نه به دلیل ویژگی های شخصیتی بلکه به صرف اعتبار داشتن قبیله متنفذ خزل بوده است.

محمد حسنی نیز فقط به انگیزه قومی و احساسی پیروز شد. صاحب نظران استان

نمایندگان استان ایلام در این دوره را ناکارآمد دانستند.

هر وقت بحث از نفوذ و تاثیر قبیله بر نتیجه مبارزات انتخاباتی در استان ایلام به میان می‌آید ناخودآگاه انگشت اشاره به انتخابات دوره پنجم نشانه می‌رود جایی که در آن با تحریک احساسات ناب قبیله ای و در نهایت اتحاد و همدلی مردم ایل ملکشاهی، احمد ناصری گهر را از حوزه انتخابیه، مهران دهلران و دره شهر و آبدانان روانه خانه ملت کردند. وی با اتکا به موقعیت خانوادگی و تعلق به ایل ملکشاهی توانست اجماع نظر و اتحاد مثال زدنی را در بین هم ایلی های خود فراهم کند. وی کارمند بانک کشاورزی بود ولی به یکباره عزم حضور در انتخابات کرد و با جلب اعتماد مردم ایل و تبارش توانست در انتخابات مرحله دوم مجلس پنجم در فروردین ۱۳۷۵ گوی سبقت را از عبد سبزی برآید. ایلات دیگر از این اتحاد ملکشاهی همواره برای انتخاب های بعدی استفاده می کنند.

در شرایطی که احمد ناصری گهر با حمایت مستقیم ایل ملکشاهی به مجلس راه یافت. حمید کریمی با حمایت غیر مستقیم این ایل از حوزه ایلام، شیروان چرداول، ایوان روانه خانه ملت شد. حمید کریمی اهل شهرستان مهران بود و به دلیل انتساب به ملکشاهی (که ایل مادری اش است) از اقبال عمومی مناطقی چون هلیلان، شیروان، چرداول و حتی ایلات ارکوازی و خزل برخوردار شد.

رقیب او علی کرم محمدیان نماینده دور سوم استان بود که در مرحله اول به عنوان نفر اول شناخته شد ولی در مرحله دوم با وجود انتساب به ایل خزل، نتوانست به مجلس راه یابد.

دوره کاهش اقتدار فرهنگ قبیله ای و آمیختگی تفکر ایلیاتی و حزبی

انتخابات مجلس ششم اولین انتخاباتی بود که مردم در آن برای انتخاب ۳ نماینده به پای صندوق های رای می رفتند.

با افزایش جمعیت استان و طبق قانون اساسی، وزارت کشور با جدا شدن مهران از حوزه انتخابی دوم و الحاق آن به حوزه انتخابی اول یعنی شهرستان ایلام در کنار شهرستان های ایوان، شیروان و چرداول با اعطای دو کرسی به این حوزه موافقت کرد و حوزه دهلران، دره شهر و آبدانان هم صاحب یک کرسی شد. در این دوره از انتخابات مردم همچنین برای اولین بار ورود مستقیم نمایندگان در همان مرحله اول را هم تجربه کردند.

بعد از تحولات دوم خرداد و قوت گرفتن فعالیت احزاب جدیدی چون مجاهدین

انقلاب اسلامی و مشارکت گروه های دوم خردادی در اوج اقتدارشان از عبد الرضا حیدری زادی پزشک متبحر ایلامی و از دوستان نزدیک سید محمد خاتمی و نیز از سید محمد حائری نماینده استان در دوره سوم حمایت کردند. اما شرایط به گونه ای رقم خورد که فقط حیدری زادی به مجلس راه یافت. چرا که علی یاری با سابقه فرمانداری مریوان و کامیاران استان کردستان با آمدن به ایلام و فعالیت در منصب مدیر کلی کمیته امداد امام خمینی استان توانست آراء زیادی به دست آورد. او با جلب نظر مسئولان کمیته امداد و با استفاده از تجربه و نفوذ کاری اقداماتی چون افزایش چند برابری سرانه بودجه استان، انتقال امکانات عالی به روستاهای دور افتاده، تحت پوشش قرار دادن افرادی که حتی شرایط گرفتن مستمری و خدمات نداشتند بعد از حیدری زادی با کسب ۴۹ درصد آراء به مجلس راه یافت.

سوء استفاده از ماهیت خدمت در نهادهای حمایتی و تزییق پول به متن جامعه مستضعف در استان ایلام برای کسب آرای طبقات پایین یکی از پدیده های نوظهور و نامیمون این دوره انتخابات بود. بسیاری از مستمری بگیران تحت پوشش نهادهای حمایتی از ترس محروم شدن از خدمات مالی و ادار به رأی دادن به نامزدهای مورد نظر مدیران نهادهای حمایتی شدند.

اقدامات هدفمند علی یاری نه تنها در حوزه شمالی مؤثر افتاد بلکه اثراتش در حوزه دهلران هم هویدا شد به طوری که با راهیابی سید رجب حسینی نسب و حسین خوران به دور دوم، حسینی نصب با حمایت مستقیم علی یاری از رقیب نوگرای خود پیش افتاد و بدین ترتیب در شرایطی که مجلس اصلاح طلب یکدست شکل گرفت از سه نماینده استان ۲ نماینده اصولگرا بودند.

در دوره ششم حیدری زادی علاوه بر حمایت حزبی، از حمایت مردم ایل خزل برخوردار بود بدین ترتیب مردم ایل خزل چهارمین نماینده خود را به مجلس شورای اسلامی فرستادند.

در انتخابات مجلس ششم استان ایلام رگه هایی از فعالیت احزاب و پررنگ شدن نقش حمایتی آنها مشاهده شد اما به اندازه ای نبود که در این دوره یا دوره هفتم از نقش قبیله و ایل بکاهد ولی شروعی برای رها شدن از چارچوب های غیر منعطف قبیله بود.

از این دوره به بعد در ساختار فرهنگ سیاسی ایلام شاهد ظهور شکاف های سیاسی و ایدئولوژیکی در کنار شکاف های قبیله ای هستیم. توضیح این که پس از طرح

گفتمان اصلاح طلبی در کشور و نضج گیری رویکردهای حزبی و نهادی، علاوه بر شکاف‌های ایلی، شکاف سیاسی نیز هر چند به شیوه‌ای سنتی و ناپخته‌تر از سایر نقاط کشور در استان ایلام نمایان شد. از سال ۱۳۸۰ به بعد شاخه احزاب سیاسی در ایلام شروع به فعالیت کرد، اما نوپایی شکل گیری فعالیت احزاب در استان همراه با پیوندهای محکم قبیله‌ای در حافظه تاریخی و فرهنگی مردم موجب شد غیریت‌سازی بر مبنای تفاوت ایل و قبیله مهمتر از تفاوت در نگرش‌های سیاسی و حزبی باشد. در دوره هفتم و هشتم کشاکش حضور حزب و قبیله آمیختگی نامتقارنی ایجاد کرده است که نتیجه این کشاکش و پیچیدگی غیر قابل پیش بینی بودن رفتار انتخاباتی مردم را به دنبال داشته است.

با نگاهی به آرای مآخوذه نامزدهای انتخاباتی دوره ششم مجلس شورای اسلامی در ایلام^۱ (جدول شماره ۱) در میان ایلات استان ملاحظه می‌شود که هر یک از نامزدها بالاترین رای را در میان هم ایلی‌های خود کسب کرده‌اند و این نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی قبیله‌ای و مشارکت بر مبنای وابستگی قوم و خویشی عامل مهمی در کسب آراء است و سایر مولفه‌ها از جمله توان مدیریتی و نگرش‌های سیاسی در مقابل پیوند ایل و قبیله جایگاه مهمی ندارد. به عنوان مثال حمید کریمی از ایل ملکشاهی، بیشترین رأی خود را از همین ایل دریافت کرده است و علی یاری با کسب ۱۹۶۵۲ رأی هم ایلی‌هایش یعنی ارکوازی‌ها به مجلس ششم راه یافته است. به علاوه در این دوره اگر چه برخی معتقدند حضور بیش از دو نفر از یک ایل بیانگر شکسته شدن اقتدار ایلیاتی در انتخابات است و این در دوره‌های قبلی امری بی‌سابقه است، اما از منظر دیگر می‌توان گفت علی‌رغم چند پاره شدن و تقسیم آرای یک ایل (با داشتن بیش از یک نامزد انتخاباتی) نامزدهای مزبور معمولاً بیشترین آراء خود را در میان هم ایلی‌هایشان دریافت کرده‌اند. به عنوان مثال فتح اسماعیلی از ایل ارکوازی با وجود این که در انتخابات ششم پیروز نشد اما توانست ۹۲۵۶ رأی ارکوازی‌ها را به دست آورد. مثال دیگر، رستم عادل‌لی به دلیل وابستگی به ایل ایوان همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشخص شده ۱۷۶۰۰ رأی هم ایلی‌هایش را به خود اختصاص داد. در این دوره ایوب حقیقت خواه به عنوان نامزد غیر بومی و بدون پشتوانه ایلی وارد عرصه رقابت می‌شود اما همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشخص

۱. به دلیل وجود ایل‌های بزرگ و تعیین کننده در حوزه انتخابیه اول (شهرستان‌های ایلام، ایوان، مهران، ملکشاهی و شیروان چرداول) فقط به آرای این حوزه بر اساس رای قبایل اشاره شده است و حوزه انتخابیه دوم (شهرستان‌های دره شهر، آبدانان و دهلران) به دلیل نداشتن ایل بزرگ و تعدد طوایف و تیره‌ها آرای این حوزه ذکر نشده.

شده کمترین رأی را به دست آورده است.

جدول شماره ۱

آرای ماخوذه نامزدهای انتخاباتی مجلس شورای اسلامی دوره ششم حوزه انتخابیه ایلام به تفکیک رای ایلات

ایلات کاندیدا	ارکوازی	ملکشاهی	خزل	شوهان	ایوان	دهبالایی	لک	سایر ایلات
علی یاری	*۱۹۶۵۲	۴۹۱۲	۲۱۰	۲۷۴	۴۹۲	۲۱۶	۶۰۹	۲۱۵۶
عبدالرضا حیدری زادی	۱۲۷	۸۲۱	۱۸۷۲۳ *	۲۰۴	۳۷۶	۵۷۲	۳۱۱۲	۱۷۵۴
رستم عادلی	۱۱۲	۷۱۹	۱۲۶	۱۰۴	*۱۷۶۰۰	۳۷۰	۲۱۱	۱۹۷۴
علی برفی زاده	۹۹	۱۱۳	۷۶	۸۷	۱۰۱	*۱۴۰۱۵	۱۰۰	۵۲۱۰
سید حسین حائری	۳۳	۲۵۷	۵۶	*۱۵۸۱۲	۲۲	۳۱	۱۹	۱۹۷۰
اسدالله عالی پور	۲۷	۴۶	*۱۳۹۱۰	۱۲	۱۷	۱۱۰	۱۸۵۰	۴۶۵
فتاح اسماعیلی	*۹۲۵۶	۲۷۱۰	۲۷	۱۵	۵۵۰	۷۶	۲۱	۱۰۷۱
علی رشیدی	۷۲۶	۱۳۷	۴۶	۱۲	۲۹۹	۳۱۶	۹	*۸۴۰۷
حمید کریمی	۹۳	*۷۳۱۲	۲۲	۱۳	۲۳	۱۶	۱۰	۷۹۹
کوروش منصوری	*۵۹۱۸	۱۴	۶	۷	۱۲۱	۵۶	۲	۲۵۶
رحمان نیاکان	۱۲	۷	۹	۱۶	۱۱	۲۳	۴	*۴۴۷۳
ایوب حقیقت خواه +	۲	-	۶	-	-	۱۲	-	۱۵

منبع: فرمانداری شهرستان ایلام

توضیح: علامت * بیانگر خاستگاه ایلی و علامت + بیانگر غیر بومی است

در دوره هفتم عادل آذر نماینده تکنوکرات تحصیل کرده (استاد دانشگاه تربیت مدرس در رشته مدیریت بازرگانی) دهلرانی از حوزه انتخابیه دهلران، دره شهر و آبدانان در همان مرحله اول انتخاب شد، انتخابی که شاید تعلق آذر به طایفه کاید خورده (از طوایف کرد دهلران) در شکل گیری آن بی تاثیر نبود. در حوزه انتخابیه ایلام هم فریدون همتی و مرتضی کریمی در مرحله دوم به مجلس راه یافتند، کریمی متعلق به منطقه شیرواند هلیلان و از فرهنگیان منطقه شیروان چرداول بود که با سادگی و تواضع شخصیتی به مجلس راه یافت. اما بعد از ۷ ماه بر اثر سانحه تصادف فوت کرد، نماینده ای که تا آخرین روز حضور در

مجلس هیچ گونه نشانه‌ای حزب یا گروه خاص از وی بروز نکرد و در جریان انتخابات بحث‌هایی از انتساب وی به اصلاح‌طلبان مطرح بود. داریوش قنبری در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس در خرداد ۸۴ جایگزین مرحوم کرمی شد.

همتی با سابقه ۲۲ ساله مدیر کلی صدا سیما در مراکز چون آذربایجان غربی، لرستان و ایلام و مهاباد جزء طیف اصولگرای مجلس هفتم بود. حمایت پر شور و مثال‌زدنی ایل ارکوازی از همتی و نیز رای قاطع مردم ایوان به قنبری (از ۳۱ هزار رأی مأخوذه، ۲۷ هزار رأی قنبری متعلق به ایوان زادگاهش بود) نشان داد که قبیله و طایفه همچنان عامل اصلی موثر بر فرآیند انتخابات در استان ایلام است.

در این دوره فریدون همتی از سوی احزاب اصولگرای استان مورد حمایت قرار گرفت و داریوش قنبری وابسته به اصلاح‌طلبان بود. برخی راهیابی همتی و قنبری به مجلس هفتم را نتیجه حمایت‌های حزبی می‌دانند و معتقدند آرای این دو بیشتر بر مبنای گرایش‌های سیاسی و حزبی است تا قبیله‌ای. ولی با وجود این با نگاهی به آرای مأخوذه این دو در مناطق مختلف این نکته روشن می‌شود که حمایت همه جانبه ایل ارکوازی و ایل ایوان زمینه حضور همتی و قنبری را در مجلس هفتم فراهم کرد.

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که فریدون همتی با حمایت ارکوازی‌ها توانست گوی سبقت را از سایر رقبای خود برآید. همچنین داریوش قنبری بالاترین رأی را از ایوان کسب کرده است. همان‌گونه که در جدول شماره ۱ بیان شد، در دوره هفتم نیز همزمان بیش از یک نفر از یک ایل وارد صحنه رقابت شده‌اند. این وضعیت می‌تواند از یک طرف از شکسته شدن ساختار متصلب و انعطاف‌ناپذیر ایلی حکایت کند و از طرف دیگر نشان می‌دهد که نگرش‌های سیاسی و حزبی در کنار وابستگی ایلی در حال نضج‌گیری است. اما با این وجود همچنان حمایت ایلی و قبیله‌ای اهمیت خود را حفظ کرده است. به عنوان مثال رضا شیری از ایل خزل و جبار امیدی نیز از همین ایل، با وجود تفاوت در رویکرد سیاسی و حزبی، بالاترین میزان رأی را در میان ایل خزل کسب کرده‌اند. در این دوره همچنین نامزدهایی از ایلات و طوایف کوچک حضور دارند و آرای قابل توجهی به دست آورده‌اند. در دوره‌های پیشین ایلات کوچک کمتر انگیزه برای حضور در رقابت با ایل‌های بزرگ را داشته‌اند و بیشتر تلاش می‌کردند با یک ایل بزرگ ائتلاف کنند و منافع خود را از طریق ائتلاف به دست آورند.

جدول شماره ۲

آرای ماخوذه نامزدهای انتخاباتی مجلس شورای اسلامی دوره هفتم حوزه انتخابیه ایلام به تفکیک رای ایلات

ایلات کاندیدا	ارکوازی	ملکشاهی	خزل	شوهان	ایوان	دهبالایی	لک	سایر ایلات
علی رشیدی	۴۱۴۹	۴۲۳۸	۳۶۱۱	۱۸۲۹	۳۸۹۱	۲۵۴۸	۹۸۶	۱۷۴۴۳*
فریدون همتی	*۲۱۵۳۴	۳۴۸۶	۴۸۳۵	۷۲۸	۴۰۱۳	۱۱۰۹	۳۹۱	۲۵۴۶
مرتضی کرمی	۲۱۴۸	۹۵۲	۴۲۰۱	۲۳۶	۱۵۳۱	۹۹۸	*۱۵۴۳۸	۳۴۳۱
یارحسین انوری	۲۵۴۶	۱۲۵۹	۱۸۷۱	۴۶۵	۱۳۵۳	۷۶۳	۶۵۲	*۱۳۲۶۹
حجعلی امجد جمشید زاده	۹۲۲	۷۴۶	*۱۰۵۳۷	۴۷۶	۸۹۱	۶۲۹	۳۷۳	۳۸۳۳
رحمت بادفر	۴۵۶	۳۳۱	۲۶۱	۳۷۷	۷۱۷	*۱۱۳۵۸	۲۰۱	۳۲۱۶
علی یاری	۲۵۲۱	۱۵۵۹	۱۰۰۱	۱۲۱	۱۲۲۰	۹۴۲	۲۲۸	*۷۴۲۳
مهدی روشنی	۱۳۱۲	۱۲۰۳	۱۱۵۰	۳۲۱	۱۰۶۹	*۱۱۴۶	۳۰۳	۱۸۴۸
داریوش قنبری	۱۲۷۵	۱۱۶۰	۷۹۷	۲۲۸	*۶۹۵۶	۴۲۱	۱۱۶	۲۴۳۵
رضا شیری	۶۳۶	۳۸۲	*۸۴۱۹	۳۰۳	۷۸۰	۲۸۴	۹۹	۱۶۰۳
جبار امیدي	۲۵۹	۱۹۴	*۳۴۴۹	۱۴۶	۹۰۵	۲۱۵	۱۰۱	۸۴۲
محمد باقر عسکری	۲۷۱	۱۵۶	۱۰۳	*۴۲۳۹	۱۱۲	۱۳۵	۹۸	۷۲۱
محمد باقر حیدری	۲۲۰	۱۹۸	۱۲۲	۱۰۲	۱۳۶	*۳۹۰۰	۹۹	۶۹۳
خالد خیری	۲۲۸	۱۰۲	۱۵۳	۹۵	۳۴۶	۷۵۷	۱۱۴	*۲۷۹۴
کوروش منصوری	*۲۳۰۴	۱۴۶	۱۷۶	۸۲	۲۹۲	۸۲۱	۱۳۳	۵۳۵

منبع: فرمانداری شهرستان ایلام

توضیح: علامت * بیانگر خاستگاه ایلی و علامت + بیانگر غیر بومی است

چهره های مختلف سیاسی از ایلات و قبایل مختلف در هشتمین دوره از انتخابات مجلس ماهها قبل خود را برای کارزار انتخاباتی در دو حوزه انتخابیه استان آماده می کردند (حوزه انتخابیه اول شامل ایلام، مهران، شیروان چرداول و ایوان و حوزه انتخابیه دوم شامل

شهرستان‌های دهلران، دره شهر و آبدانان) در حوزه اول افرادی چون شاپور پولادی از منطقه پر جمعیت لک نشین هلیلان، علی اکبر بسطامی و فریدون همتی (نماینده دوره هفتم) از ایل ارکوازی، احمد شوهانی از ایل شوهان، علی اکبر متین از ایل ملکشاهی و داریوش قنبری به عنوان داوطلبان برجسته مطرح شدند که با حمایت های ایلی متین، قنبری، بسطامی و پولادی به مرحله دوم راه یافتند و شوهانی با اختلاف ۱۰۱ رأی و فریدون همتی با اختلاف کمتر از ۷۰۰ رأی نتوانستند به مرحله دوم راه یابند.

اینجا بود که جنگ و رقابت ایلی حالت جدی به خود گرفت و مناطق مختلف و محافل عمومی و خصوصی به جولانگاه طرفداران متعصب این ۴ کاندیدا تبدیل شد.

در نهایت با پشتوانه رأی چشمگیر منطقه پر جمعیت شیروان چرداول، شاپور پولادی بایش از ۴۹ هزار رأی به عنوان نفر اول از این حوزه به مجلس راه یافت و داریوش قنبری نماینده اصلاح طلب و رادیکال دوره هفتم با حمایت ۹۰ درصدی زادگاهش، ایوان با اختلاف فقط ۵۱ رأی به عنوان نفر دوم شناخته شد؛ انتخابی که با هزینه سنگین بلوا و اغتشاش در ایوان و کشته شدن سه نوجوان و زخمی شدن چند نفر از هواداران قنبری توسط مأموران انتظامی صورت گرفت. شیروان چرداول بعد از ایلام پر جمعیت ترین شهرستان استان است و در هر دوره از انتخابات به طور متوسط در مجلس نماینده داشته است. در دوره اول اسداله عالی‌پور، در دوره سوم علی کرم محمدیان، در دوره چهارم سید حشمت موسوی، در دوره ششم عبدالرضا حیدری‌زادی، در دوره هفتم مرتضی کرمی و در دوره هشتم شاپور پولادی از این شهرستان به مجلس راه یافته اند و می توان گفت فکر کردن به پیروزی و حل معادلات انتخابات حوزه انتخابیه ایلام، شیروان چرداول، مهران و ایوان بدون توجه به این شهرستان قابل تصور نیست. در دوره هشتم مردم ایل ملکشاهی به حمایت همه جانبه از داوطلب جوان خود علی اکبر متین پرداختند اما او با اختلاف ۵۱ رأی نتوانست به مجلس راه یابد.

علی اکبر بسطامی مدیر کل با سابقه کمیته امداد استان با وجود حمایت های ایل ارکوازی نتوانست بیش از ۲۲ هزار رأی بدست آورد. شاید یکی از عوامل ناکامی او حضور همزمان هم ایلی اش فریدون همتی در رقابت انتخاباتی بود که باعث دودستگی و تقسیم آرای ایل بزرگ ارکوازی و ناکامی هر دو کاندیدا شد. کاندیدا شدن دو نفر از یک ایل بزرگ در دوره‌های گذشته بی سابقه است و به نوعی بیانگر تحولی مهم در ساختار نظام ایلی جامعه و کم‌رنگ شدن نقش وابستگی ها و انتساب های قوم و خویشی است. در دوره‌های

گذشته از یک ایل بزرگ تنها یک نفر نامزد انتخابات معرفی می شد و همه برای فرستادن هم ایلی خود به مجلس هم قسم می شدند اما از دوره ششم به بعد این ساختار شکسته شد. در حوزه دهلران، دره شهر و آبدانان رقابت میان سه کاندیدا علی عزتی از دره شهر، ماجد نظری از دهلران و عبدسبزی داوطلب غیر بومی (فرمانده سابق سپاه دهلران) بود که علی عزتی با رأی ۴۰ هزار نفری و البته حمایت زادگاهش دره شهر به مجلس راه یافت و از نظر آمار مشارکت حوزه انتخابیه دهلران، دره شهر و آبدانان سومین حوزه بایبشترین رأی به حوزه منتخب کشور لقب گرفت. این اولین بار بود که شهرستان دره شهر توانست نماینده ای به بهارستان روانه سازد. دودستگی میان طوایف بزرگ در منطقه دهلران و آبدانان که در دوره های گذشته با تعصب خاصی به ائتلاف و اتحاد دست می زدند از یکسو و نیز وحدت کم سابقه طوایف دره شهر از سوی دیگر عامل پیروزی عزتی شد. ایل بزرگ کاید خرده و نیز برخی طوایف صاحب موقعیت که در دور گذشته عادل آذر را به مجلس فرستاده بود این بار نسبت به عملکرد وی معترض بوده و بانوعی بی تفاوتی بر فرد خاصی ائتلاف نداشته است. برخی تحلیل گران معتقدند عادل آذر علی رغم این که پایگاه قومی قبیله ای عامل صعودش بود اما به دلیل تفکرات خاص مدرن و اعتقاد به سازوکار نهادی عقلانی نتوانست برای دور دوم کاندیدا شود.

در انتخابات مجلس هشتم شاهد دگرگونی در وابستگی ایلی به سمت نگرش سیاسی و سایر مؤلفه های غیر ایلی مانند توانایی نامزدها هستیم. همانگونه که بیان شد از دوره ششم به بعد شاهد وقوع تحولاتی در ساختار ایلی هستیم. در انتخابات هفتم و هشتم این تحولات رو به گسترش است، شکاف در میان ایل های بزرگ استان یعنی نامزد شدن همزمان دو یا سه نفر از ایل بزرگی چون ارکوازی و خزل بیانگر کاهش تعصبات و کم توجهی به خاستگاه ایلی از یک سو و توجه به نقش احزاب سیاسی و فرهنگ سیاسی مشارکتی از سوی دیگر در استان ایلام است. این روند در انتخابات هشتم نمود بیشتری دارد به گونه ای که در این دوره شکسته شدن اقتدار ایلی عمیق تر است، به عنوان مثال از ایل بزرگ ارکوازی و خزل سه نفر با دیدگاه های متفاوت به میدان رقابت آمدند و نیز حضور نامزدهایی از قبایل کم نفوذ افزایش یافته است.

در جدول شماره ۳ این ویژگی ملاحظه می شود. البته در این دوره آمیختگی تعصبات ایلی با رویکردهای حزبی نشان می دهد که مردم استان ایلام با وجود کسب آگاهی سیاسی و اجتماعی، هنوز نتوانسته اند در پای صندوق های رای میان عقلانیت و احساسات قبیله ای تمایزی قائل شده و عقلانیت را مرجح دارند. برای مثال ارکوازی ها بیشترین رأی خود را

به ترتیب به نفع هم ایلی های خود یعنی علی اکبر بسطامی، فریدون همتی، معروف بسطامی و علی حیدر مظفری به صندوق ها ریختند و خزلی ها بیشترین رأی خود را به هم ایلی هایشان یعنی محمدیان، بابائیان و میرزایی اختصاص دادند و ملکشاهی ها، شوهان و ایوان نیز از نامزدهای هم ایلی خود حمایت همه جانبه ای داشتند.

جدول شماره ۳:

آرای ماخوذه نامزدهای انتخاباتی مجلس شورای اسلامی دوره هشتم حوزه انتخابیه ایلام به تفکیک رای ایلات

ایلات کاندیدا	ارکوازی	ملکشاهی	خزل	شوهان	ایوان	دهبالایی	لک	سایر ایلات
علی اکبر متین	۳۵۱۲	*۷۷۶۷	۳۸۵۰	۲۵۰۰	۳۶۰۰	۲۲۵۰	۲۸۰۰	۵۳۷۰
داریوش قنبری	۴۹۵۰	۲۸۱۸	۲۲۰۰	۱۸۱۰	*۶۶۶۳	۲۱۵۰	۱۹۵۰	۲۵۹۰
علی اکبر بسطامی	*۹۶۱۷	۲۵۶۰	۲۶۶۱	۱۶۷۰	۲۷۸۰	۲۳۳۲	۱۳۲۱	۲۴۶۰
شاپور پولادی	۳۵۲۱	۱۹۱۰	۲۲۴۰	۱۲۴۶	۱۲۹۰	۱۶۰۰	*۹۱۰۶	۳۹۷۳
احمد شوهانی	۲۸۲۰	۱۸۱۳	۱۱۵۱	*۹۷۰۰	۲۴۰۳	۲۲۳۰	۱۰۲۵	۳۱۲۰
فریدون همتی	*۶۹۳۵	۲۵۱۹	۲۸۷۶	۱۲۹۱	۳۹۶۰	۲۲۱۰	۱۵۶۰	۲۹۲۱
علی کرم محمدیان	۱۵۸۶	۱۹۲۰	*۴۲۱۳	۱۸۹۰	۲۸۲۱	۲۰۲۰	۱۳۴۰	۳۵۸۰
علی حسن بابائیان	۱۵۹۱	۱۶۰۹	*۴۴۹۶	۱۲۳۲	۱۷۱۶	۱۰۲۹	۱۲۰۰	۱۸۳۱
جلال میرزایی	۱۲۰۴	۹۶۱	*۳۶۲۱	۷۲۹	۱۱۱۲	۹۱۲	۸۱۶	۱۱۰۰
میر حمزه کریمی	۱۳۱۰	۵۱۲	۸۵۰	۶۱۳	*۳۲۹۳	۹۲۸	۵۳۵	۱۲۵۰
حمید خانیاں+	۹۲۱	۳۱۴	۴۱۲	۲۷۳	۱۶۳۴	۶۷۷	۲۱۵	۲۳۴۷
معروف بسطامی	*۲۸۹۱	۱۳۵	۲۷۱	۱۱۵	۲۱۴	۱۱۶	۱۰۰	۱۲۳۲
اسد قاسمی	۱۰۱	۸۶	۵۶	۳۴	۲۷	۱۸	۵	*۳۳۷۲
علی جمشیدی	۲۳	*۲۴۴۶	۲۷	۱۹	۳۷	۲۴	۹	۱۴۶
علی حیدر مظفری	*۱۷۱۵	۹۵	۸۳	۴۶	۲۱	۳۲	۱۸	۲۰۰

منبع: فرمانداری شهرستان ایلام

نگاهی به خاستگاه ایلی منتخبان راه یافته از استان ایلام به مجلس شورای اسلامی در طول هشت دوره انتخابات (جدول شماره ۴) نشان می دهد ایل خزل در تمامی دوره ها پیروز میدان بوده و با داشتن قابلیت های جمعیتی و همبستگی ایلاتی توانست گوی سبقت را از سایرین برآید. ایل ملکشاهی با توجه به نفوذ و جمعیتی که دارد و نیز پیوند محکم قبیله ای در رده دوم قرار دارد. ایل ارکوازی و ایوان نیز در مراتب بعدی نفوذ و رقابت قرار می گیرند.

سایر ایلات و طوایف استان به دلیل جمعیت کم و نفوذ ناچیز نتوانسته اند در بین منتخبان مجلس کاندیدایی داشته باشند. تاثیر مؤلفه های حزبی و نهادی در انتخابات مجلس در استان ایلام هنوز جایگاه خود را به دست نیاورده و در کشاکش تعصبات قبیله و نگرش های حزبی تعصبات قبیله برتری دارد. بعد از خرداد ۷۶ با افزایش فعالیت گروه های حزبی در ایلام انتظار می رفت جمعیت جوان و تحصیل کرده به این سمت روی آورند اما گویی هنوز ساز و کار احساسی و قبیله ای حتی بر وجه عقلانی انتخابات غلبه دارد.

در مقاطعی از جمله مجلس هفتم کاندیدای تحصیل کرده و با پشتوانه کمتر طایفه ای به مجلس راه یافت (عادل آذر) اما به دلیل در نظر نگرفتن اهمیت مشخصه های ایلی و طایفه ای و برآورده نساختن خواسته های فردی و هم قومی هایش، با وجود توانایی ها و عملکرد نسبتاً خوب نامبرده، نتوانست همراهی هم طایفه ای ها و هم ایلی هایش را در انتخابات بعدی به دست آورد.

بنابراین می توان رفتار انتخاباتی مردم استان ایلام را به دو دوره تقسیم کرد دوره غلبه بی چون و چرای گفتمان قبیله و نفوذ و اقتدار توشمالان که تا دوره پنجم شاهد آن هستیم. دوره دوم از مجلس ششم تا هشتم که دوره تقسیم نفوذ همزمان ایلات و احزاب است. در این مرحله نوعی آمیختگی و پیچیدگی در روابط بر اساس نگرش حزبی و پیوند قبیله ای در رفتار انتخاباتی مردم استان ملاحظه می شود که این تحول بیانگر شکل گیری دوره گذار و برون رفت از وجه سنتی جامعه به وجه مدرن و عقلانی است.

جدول شماره ۴:

نمایندگان هشت دوره مجلس شورای اسلامی استان ایلام با ذکر خواستگاه ایلی

نام نماینده	پایگاه ایلی	در جدول شماره ۴ دوره‌های انتخابات مجلس
اسد... عالی پور	خزل	اول
پرویز طهماسبی	طوایف آبدانان	اول
محمد نقی لطفی	ملکشاهی	دوم
علی اکبر روحانی فرد	کرد دهلران	دوم
علی اکبر محمدیان	خزل	سوم
سید محمد حائری	-----	سوم
سید حشمت موسوی	خزل	چهارم
محمد حسنی	طوایف دهلران	چهارم
حمید کریمی	ملکشاهی	پنجم
احمد ناصری گهر	ملکشاهی	پنجم
عبد الرضا حیدری زادی	خزل	ششم
سید رجب حسینی نسب	کرد دهلران	ششم
علی یاری	ایل عالی بیگی	ششم
فریدون همتی	ارکوازی	هفتم
مرتضی گرمی	لک	هفتم
داریوش قنبری	ایوان	هفتم
عادل آذر	کرد دهلران	هفتم
داریوش قنبری	ایوان	هشتم
شاپور پولادی	لک هلیلان	هشتم
علی عزتی	طوایف دره شهر	هشتم

منبع: فرمانداری شهرستان ایلام

نتیجه گیری

بررسی خواستگاه نمایندگان استان ایلام در ۸ دوره مجلس شورای اسلامی و رفتار انتخاباتی مردم در این هشت دوره انتخابات مجلس مؤید این فرضیه است که تاثیر فرهنگ سیاسی طایفه ای بر سایر مولفه ها در انتخاب افراد نقش موثری دارد و از انتخابات اول تا

هشتم چه در حوزه انتخابیه اول و چه در حوزه دوم استان نگاه طایفه ای و داشتن پایه های مستحکم ایلی عامل مهمی در موفقیت و کسب اکثریت آرای مردم بوده است.

آنچه از پژوهش حاضر استنباط می شود غلبه فرهنگ سیاسی قبیله ای در استان ایلام است که این نوع فرهنگ سیاسی موجب تسلط وجوه سنتی، احساسی و ارزش های قومی بر عقلانیت در رفتار انتخاباتی مردم شده است. از این میان فرهنگ سیاسی تبعی مشارکتی و ویژگی جوامع در حال گذار از جمله ایلام است که به روشنی بر مشارکت سیاسی مردم و تصمیم گیری سیاسی تاثیر زیادی دارد. به این مفهوم که با وجود افزایش آگاهی و درک مردم از حق انتخاب نقش ها و وظایف خود در سیستم سیاسی، به دلیل غلبه فرهنگ قبیله ای همچنان مشارکت سیاسی مردم بر مبنای احساسات و تعصبات و به دور از عقلانیت است.

البته بانگاهی به روند رقابت انتخاباتی در دوره های مختلف می توان به این نکته مهم پی برد که از انتخابات ششم به بعد شاهد دگرگونی هایی در ساختار فرهنگ سیاسی قبیله ای و نیز شکسته شدن پیوند خویشاوندگرایی اعضای قبایل در انتخابات هستیم. بدون تردید تحولات سیاسی بعد از خرداد ۱۳۷۶ در پررنگ شدن سازوکار حزبی و فعالیت گروه های سیاسی نقش مهمی داشته است و در واقع نقطه آغاز این تحولات را باید از مجلس ششم بررسی کرد. از این دوره به بعد شاهد حضور کاندیدای حزبی و رقابت های غیر ایلی هستیم. در مجلس ششم حیدری زادی از جناح اصلاح طلبان به پیروزی رسید. (هر چند در این دوره عنصر قبیله نیز همچنان جایگاه خود را حفظ کرده بود). همچنین در انتخابات مجلس هشتم کاندیدا شدن دو نفر از یک ایل بیانگر بروز رقابت های غیر ایلی و شکسته شدن ساختار قبیله و وابستگی های قوم و خویشی است. در دوره هشتم علی اکبر بسطامی و فریدون همتی از ایل ارکوازی با هم به رقابت پرداختند که در نهایت موجب تقسیم آرای هم ایلی هایشان و در نتیجه شکست هر دو کاندیدا در رقابت انتخاباتی شد.

به طور کلی در انتخابات مجلس شورای اسلامی تا دوره ششم خاستگاه طایفه ای و قومی ابزار قدرتمندی در اختیار نامزدها و انگیزه مهمی برای مردم در مشارکت سیاسی است. اما بعد از تحولات سیاسی خرداد ۱۳۷۶ در کشور و افزایش سطح آگاهی سیاسی مردم، رقابت های ایلی و طایفه ای در استان ایلام نیز در حال فروکش کردن است و انتظار می رود در انتخابات بعدی از پیوندهای قبیله ای و رویکرد متعصبانه آنها کاسته شود.

در سال‌های اخیر با افزایش جمعیت جوان و تحصیل کرده استان و نیز افزایش سطح آگاهی مردم، عوامل ایللی و طایفه‌ای و نیز برخوردهای متعصبانه کمرنگ شده است. به نظر می‌رسد افزایش سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم خصوصاً جمعیت جوان و تأثیرگذار بیشتر در انتخابات ریاست جمهوری تعیین‌کننده باشد اما در انتخابات مجلس این ویژگی روند کندی در دگرگونی از انتخاب احساسی ارزشی به سمت نهادی، حزبی و عقلانی در پی گرفته است که این بیانگر ریشه داشتن فرهنگ سیاسی قبیله‌ای و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری‌ها و رفتار سیاسی مردم استان ایلام است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع:

الف) فارسی

۱. آلموند، گابریل، پاول، بینگهاوم (۱۳۷۵)، «جامعه پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی»، ترجمه: علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ۱۱ شماره ۶-۵.
۲. افشار سیستانی، ایرج، (۱۳۸۱) مقدمه ای بر شناخت ایل چادر نشینان و طوایف عشایری ایران
۳. افشار سیستانی، ایرج، (۱۳۷۲) ایلام و تمدن دیرینه آن.
۴. امور عشایری استان ایلام (۱۳۸۷)، آمار جمعیت عشایری استان ایلام.
۵. حسین خانی، محمد، (۱۳۷۳) گذری بر تاریخ ایلام، چاپ فرهنگ ایلام.
۶. دهقان نژاد، مرتضی (۱۳۷۹) ایلات و توسعه نیافتگی اقتصادی ایران در دوره قاجار، مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره بیست و دوم و بیست و سوم، پاییز و زمستان.
۷. سریع القلم، محمود (۱۳۷۷) مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران، تهران، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال سیزدهم، شماره سوم و چهارم، آذر و دی.
۸. قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۳) خویشاوندگرایی و توسعه؛ مجموعه مقالات همایش ملی بررسی موانع فرهنگی با نگاه ویژه به استان ایلام، به کوشش علی موسی نژاد، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ایلام با همکاری دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور، تهران: پژوهان: چاپ اول.
۹. عزتی، سعد اله (۱۳۷۸)، پژوهشی در ساختار فرهنگی و اجتماعی ایل ارکوازی ایلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۰. علیرضایی، کرم، (۱۳۸۰) تاریخ و فرهنگ کهن سرزمین: بررسی پیشینه تاریخی و اجتماعی و فرهنگی ده هزار ساله دهلران و استان ایلام، انتشارات مهرانشهر.
۱۱. عالم، عبدالرحمان، ۱۳۷۷، بنیادهای علم سیاست، نشر نی چاپ چهارم.
۱۲. چیلکوت، رونالد (۱۳۷۸)، نظریه‌های سیاست تطبیقی، ترجمه: وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران، موسسه رسا.
۱۳. واینر، مایرون وهانتینگتون، (۱۳۷۹) درک توسعه سیاسی، نلسون، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۴. مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)، گزیده شاخص‌ها و نماگرهای استان ایلام.

ب) انگلیسی

15. www.amar.org.ir
16. G.almond&verba,(1963),The civic culture:political attitudes&democracy in five nation, Princetonuniversity press
17. Aftab.ir./articles/politics/political science
18. http://en.wikipedia.org/wiki/Election



پرویش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی